

نقد کتاب: کیسانیه؛ حقیقت یا افسانه

محمد باقری^۱

سیدعلوی، سیدابراهیم. (۱۳۹۴)، *کیسانیه؛ حقیقت یا افسانه*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۶۰ صفحه.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۶۶۷-۵

چکیده

نوشتار حاضر جایگاه تبیینی کتاب کیسانیه، حقیقت یا افسانه را از دو منظر ایجابی و سلبی مورد نقد قرار داده است. جایگاه و اهمیت کیسانیه در تاریخ فکری و سیاسی شیعه در قرن اول و دوم قمری بسیار پر رنگ بوده است. مولف کتاب با در نظر داشتن این موضوع، به توصیف و تحلیل کیسانیه پرداخته است. در این مقاله، پژوهش و مستندات و ساختار کتاب نقد و بررسی شده است. **کلیدواژه‌ها:** کیسانیه، محمدبن حنفیه، مختار، ابوهاشم، وصیت‌نامه ابوهاشم، حارثیه، ابومسلمیه.

Kissaniah truth or lrgend

abstract

The present essay criticizes the explanatory status of Kissania's book, intellectual currents and political advancement from two affectionate and suppottive points of view. The position and significance of Kissania in Shiite intellectual and political history was very high in the first and second lunar centuries. The author of this book has described and analyzed Kissania in this regard. In this paper, research and documentation and structure of the book have been reviewed and criticized.

Keyword: Kissaniah, Muhammad bin Hanafyiah, Mokhtar, Abu Hashim, Abu Hashim's will. Haritha, Abu Muslimyeh

معرفی کتاب

کتاب *کیسانیه؛ حقیقت یا افسانه* اثر سیدابراهیم سیدعلوی که شرکت چاپ و نشر بین‌الملل وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی برای نخستین‌بار در سال ۱۳۹۴ در ۱۶۰ صفحه در قطع رقعی همراه با مقدمه و چهارده بخش و منابع و مأخذ چاپ نموده؛ در اصل ترجمه کتاب *مذاهب/بتدعتهها* *السیاسیه فی الاسلام* نوشته عبدالواحد انصاری بوده که همراه با اضافاتی در قالب شش مقاله از

^۱ کارشناس ارشد تاریخ تشیع دانشگاه فردوسی مشهد m84bagheri@gmail.com

زمستان ۱۳۷۵ تا زمستان ۱۳۷۶ در نشریه کلام/اسلامی چاپ شده است و در سال ۱۳۹۴ آن مقالات در قالب کتاب ارائه شده است.

در مقدمه، نویسنده به تحریف در تاریخ‌نگاری و ثبت وقایع به‌وسیله صاحبان قدرت، تشابه کیسانیه و سبائیه، تأثیر عباسیان در تحریف مخالفان پرداخته است. در بخش اول کتاب با عنوان «کیسان کیست» نویسنده ابتدا هفت نظر درباره هویت واقعی کیسان را ذکر می‌کند و در ادامه کیسانیه را به سه دور و زمان تقسیم می‌کند. در دور اول هدف تحریف قیام مختار، در دور دوم سوءاستفاده از وصیت‌نامه ابوهاشم، در دور سوم متهم‌نمودن مخالفان عباسیان به کفر و الحاد بوده است. در ادامه نویسنده بدون هیچ استدلالی شخصیت کیسان را ساختگی شبیه به شخصیت ابن‌سبا می‌داند. در ادامه به زمان پیدایش کیسانیه، نظر نویسنده درباره کیسانیه، نقل مطالب نوبختی درباره کیسانیه و تحلیل آن‌ها می‌پردازد.

بخش بعدی به محمدبن حنفیه اختصاص دارد. در این بخش نویسنده به زندگانی محمدبن حنفیه و بررسی حیات وی در مقاطع مختلف زندگی‌اش اشاره داشته است. نویسنده به مقاطع مختلف حیات ابن‌حنفیه نظیر دفن پیکر امام حسن(ع)، نظرات شهرستانی، عبدالواحد انصاری، ابن ابی‌الحدید، امام علی(ع) در بیان مقام محمدبن حنفیه، عملکرد ابن‌حنفیه در خصوص قیام کربلا و شورش ابن‌زبیر اشاره نموده است. در ادامه نویسنده به داستان داوری حجرالاسود پرداخته است و آن را از طریق پنج راوی نقل می‌کند. نویسنده سپس بدون هیچ تحلیلی و تنها با سخنی احساسی آن را رد می‌کند و آن را بی‌اساس می‌داند.

بخش بعدی به مختاربن ابی‌عبید ثقفی اختصاص دارد. زندگانی مختار تا پیش از قیام، ذکر دو مورد از روایات دشمنان مختار و رد آن‌ها بدون تحلیل، نقل دیدگاه ابن‌حجر درباره مختار، نقد سخنان ابن‌زبیر درباره مختار، قیام توابین، قیام مختار، دو نامه از مختاربن ابن‌حنفیه و رد آن‌ها، رد هرگونه ارتباط دیداری بین ابن‌حنفیه و مختار، شباهت قیام مختار با قیام زید، تحریف قیام مختار به‌وسیله زبیریان و امویان، شدت عمل زبیریان در قتل عام هواداران مختار، هدف مختار، تحریف قیام مختار پس از وی مطالب این بخش است.

بخش بعدی به کیسانیه پس از وفات محمدبن حنفیه اختصاص دارد. در این بخش نویسنده به بازتاب مرگ ابن‌حنفیه در میان کیسانیه می‌پردازد. مرگ ابن‌حنفیه، عقاید حمزه‌بن عماره و شاگردانش، عقاید موعودگرایان کیسانی، اشعار سیدحمیری و کثیر عزه، فرقه هاشمیه، تشابه عقاید فرقه کربیه و مختاریه، رد کیسانی بودن سیدحمیری، نقد دیدگاه نوبختی درباره پیدایش برخی فرق کیسانی مطالب این بخش است.

بخش بعدی به کیسانیان پس از وفات ابوهاشم اختصاص دارد. نویسنده در این بخش فرقه‌های مختاریه، حارثیه، راوندیه، بیانیه را در زمره فرق کیسانی پس از وفات ابوهاشم ذکر می‌کند. نویسنده سپس از فرقه راوندیه یاد می‌کند. سپس دو دلیل برای رد عقاید این فرقه ذکر می‌کند. در ادامه به

نزاع بین ابوهاشم و زید بن حسن بر سر صدقات پیامبر (ص) که با میانجی‌گری امام سجاد(ع) خاتمه یافت اشاره می‌کند.

در بخش بعدی نویسنده به کیسانیه در قرن دوم پرداخته‌است. در این بخش نویسنده دلایل عباسیان برای استفاده از وصایت از ابوهاشم و چالش مشروعیت ایشان را همراه با زمینه تاریخی آن ذکر می‌کند.

بخش بعدی به وصیت‌نامه ابوهاشم اختصاص دارد. نویسنده ابتدا گزارش‌های مورخان درباره وصیت‌نامه ابوهاشم به محمد بن علی عباسی، عبدالله بن معاویه و عبدالله بن حارث را ذکر می‌کند. سپس به نقد وصیت‌نامه می‌پردازد. نویسنده در ادامه دوازده دلیل برای رد این وصیت‌نامه ذکر می‌کند که از جمله آن‌هاست: مدعی امامت نبودن محمد بن حنفیه و ابوهاشم، اختلاف و تناقض روایت‌ها، هم‌خوانی‌نداشتن مفاد روایت‌ها با حقایق تاریخی. در ادامه نویسنده به سند وصیت‌نامه اشاره می‌کند. در ادامه نویسنده به نمونه‌هایی از کشتارهای عباسیان اشاره می‌کند. سپس به وصیت‌نامه ابراهیم امام به ابومسلم اشاره می‌کند.

نویسنده در بخش بعدی به گردهمایی ابواء پرداخته‌است. افراد شاخص شیعه در جایی به نام ابواء در ایام حج گرد آمدند تا از میان خویش شخصی را به خلافت برگزینند و وی را در مسیر دستیابی به خلافت یاری کنند که این جلسه بدون نتیجه‌گیری پایان می‌یابد. عباسیان نیز در این گردهمایی شرکت داشتند. نویسنده پس از اشاره به حضور عباسیان در این گردهمایی به حضور عباسیان در قیام عبدالله بن معاویه که حکومت پهناوری در سال‌های ۱۳۰ق و ۱۳۱ق در ایران برپا نموده بود اشاره می‌کند. در این بخش نویسنده به وضوح نشان می‌دهد که عباسیان در تکاپوی قدرت بودند.

در بخش بعدی نویسنده به پیشگویی‌های خلافت عباسیان اشاره می‌کند. عباسیان بعدها در زمان استقرار خلافت‌شان روایات بسیاری را جعل و روایات کردند. در بخشی از این روایات که به پیشگویی‌ها اختصاص دارد عباسیان از زبان بزرگان دین و با وقایع ساختگی روایاتی را جعل نمودند که اشاره به خلافت رسیدن عباسیان دارد. نویسنده چهار مورد از این روایات ساختگی را طرح و رد می‌کند.

در بخش بعدی نویسنده به فرقه کربیه پرداخته‌است. نویسنده ابتدا به معرفی حمزه بن عماره، تأثیرگذاری وی بر عباسیان، جایگاه حمزه بن عماره در میان غلات قرن دوم، مغفول ماندن برخی از حقایق در آثار ملل و نحل نویسان، ذکر برخی از آموزه‌های حمزه، شاگردان وی، ارتباط وی با امام باقر(ع)، نقل مطالب دکتر شیبی درباره حمزه بن عماره و نقد آن، مطالب این بخش است.

بخش بعدی به فرقه بیانیه اختصاص دارد. نویسنده در این بخش ابتدا به عقاید منسوب به بیانیه اشاره می‌کند سپس به سرگذشت او، استناد به وصیت‌نامه ابوهاشم و مدعی وصایت بودن از

ابوهاشم، تشابهات عقاید بیان بن سمعان و حمزه بن عماره می‌پردازد. بخش بعدی به فرقه حارثیه اختصاص دارد. نویسنده ابتدا به ذکر عقاید منسوب به ابن معاویه در کتاب‌های ملل و نحل می‌پردازد سپس به تحلیل و رد ادعای امامت از جانب ابن معاویه می‌پردازد. بخش بعدی به فرقه عباسیه اختصاص دارد. در این بخش نویسنده به فرق منشعب از عباسیه، ذکر عقاید منسوب به این فرقه در کتب ملل و نحل، قیام آن‌ها و شکستشان، تحریف قیام عباسیه در منابع، استفاده حکومت عباسیان از تکفیر نمودن دشمنان خویش می‌پردازد. بخش بعدی به رزّامیه اختصاص دارد. نسبت رزّامیه با کیسانیه، عقاید این فرقه در کتب ملل و نحل، شباهت عقاید منسوب به رزّامیه با عقاید منسوب به راوندیه و هریریه، حمایت هریریه از عیسی بن موسی، ولیعهد منصور، ذکر عقاید منسوب به هریریه از منظر نوبختی مطالب این بخش است.

آخرین بخش کتاب به ابومسلمیه اختصاص دارد. جایگاه ابومسلم در انقلاب عباسیان، زمینه‌های قتل ابومسلم، نزاع‌های منصور و ابومسلم، آثار و نتایج قتل ابومسلم در میان خراسانیان، انگیزه عباسیان از متهم نمودن هواداران ابومسلم به تکفیر، شرح قیام راوندیه، تشابه عقاید منسوب به راوندیه با حارثیه و نقد این روایات مطالب این بخش است.

نقد شکلی کتاب

بعضی از بخش‌های کتاب در فهرست مطالب نیامده‌است. مثلاً بخشی که به کربیه اختصاص یافته‌است و در قالب یک بخش ارائه شده، اما در فهرست نیامده‌است. در عنوان سمت راست صفحات کتاب که عنوان کتاب ذکر شده‌است این عنوان آمده‌است: «کیسانیه و برخی مذاهب ساخته سیاست»، اما این عنوان نه عنوان کتاب است و نه در صفحه شناسنامه کتاب ذکر نشده‌است. همچنین بهتر بود نویسنده هر بخش از کتاب را که به صورت مستقل نیز ذکر شده‌است تحت عنوان فصل یا بخش در قسمت بالای صفحات سمت چپ کتاب ذکر می‌کرد.

نقد محتوایی کتاب

۱. ادبیات نویسنده کتاب با ادبیات کتاب‌های علمی هم‌خوانی ندارد. ادبیات نویسنده در کتاب، علمی نیست. در برخی از موارد لغاتی را به کار می‌برد که شایسته به کار رفتن در یک کتاب علمی نیست. باید این کتاب پیش از انتشار ویرایش ادبی می‌شد. کاربرد واژه‌هایی مثل اراجیف و یاه‌گویی و... سزاوار یک کتاب علمی نیست.

۲. نویسنده پیش از آن که به طرح بحث بپردازد نتیجه گیری می کند. این برخلاف شیوه نگارش کتب علمی است. بهتر بود نویسنده ابتدا به طرح بحث می پرداخت سپس به نقد مطالب به دور از به کار بردن لغات و اصطلاحات ارزشی می پرداخت سپس به نتیجه گیری می پرداخت در حالی که در کتاب شیوه نویسنده عکس این است؛ ابتدا نتیجه گیری می کند سپس در هنگام طرح بحث نقد می کند.
۳. نویسنده در بسیاری از موارد ارزشی برخورد کرده است. بر اساس احساسات خویش آن مسئله را تایید یا نفی نموده است.
۴. نویسنده در این کتاب به نقد روایتها در کتابهای مهم تاریخ نگاری پرداخته است اما بهتر بود در کنار نقد روایتها به نقد راویها نیز می پرداخت، زیرا بسیاری از مطالبی که درباره کیسانیه و دعوت عباسیان نقل شده است به وسیله دشمنان آنها نقل شده است.
۵. نویسنده کتاب معتقد است وصیت نامه ابوهاشم در سال ۹۷ق و از زمان محمد بن علی عباسی نشر یافته است و بر همین اساس به تحلیل محتوا پرداخته است. اما باید گفت که این وصیت نامه در زمان استقرار خلافت عباسی و بسیار بعدتر از این زمان جعل شده است. عباسیان در پاسخ به مخالفان خویش برای مشروعیت این وصیت نامه را جعل نموده اند.
۶. نویسنده در بخش پیشگوییها معتقد است که این پیشگوییها در زمان خلافت امویان و دعوت عباسیان ساخته و نشر داده شده است. این امر صحیح نمی باشد زیرا عباسیان در زمان دعوت به شدت به کتمان راز و هویت امام و اسرار دعوت تاکید داشتند به جهت اینکه اگر هویت امام عباسی و اسرار دعوت فاش می شد قطعاً دعوتشان شکست می خورد. در روایات پیشگویی که تقریباً در همه آنها نام خلفای عباسی و شرح زندگانی ایشان آمده است نمی توانسته در عصر دعوت شایع شده باشد زیرا جان خاندان عباسی این گونه به خطر می افتاده است. بلکه این روایات در عصر خلافت عباسیان برای مشروعیت بخشیدن به خلافتشان ساخته شده است.
۷. نویسنده معتقد است که ابوهاشم در سال ۹۷ق از دنیا رفته است. این مطلب صحیح نیست و زائیده تاریخ نگاری عباسیان است. ابوهاشم قطعاً بسیار بیش از این زندگی کرده است.
۸. نویسنده در بخش حکومت رعب و وحشت از دلایل جنایات عباسیان در قتل مردم بی گناه، استناد به وصیت نامه ابوهاشم می داند. اما باید گفت که این وصیت نامه بسیار بعدتر از زمان تشکیل خلافت عباسی ساخته شده است و اگر در متن وصیت نامه دقت کنیم متوجه می شویم که این وصیت نامه برای مشروعیت بخشیدن به اعمال ناشایست عباسیان در زمان تشکیل خلافتشان بوده است. یعنی اگر عباسیان به وصایت از ابوهاشم نیاز نداشتند اما با توجه به متن نامه و

- اجازه‌هایی که ابوهاشم به عباسیان برای خونریزی و کشتار می‌دهد از این جهت عباسیان برای مشروعیت‌بخشیدن به کارهای خویش به وصیت‌نامه ابوهاشم نیاز داشتند.
۹. نویسنده دلیل عباسیان برای حضور در گردهمایی ابواء را امید نداشتن ایشان برای پیروزی می‌داند اما باید گفت که عباسیان در کنار فعالیت گسترده در دعوت خودشان که همراه با پنهان‌کاری بود در همه دست‌بندی‌ها و قیام‌ها نیز شرکت می‌کردند که اگر به هر دلیلی دعوت‌شان موفق نشد و دیگر گروه‌ها پیروز شدند در آن قیام‌ها جایی برای خویش داشته باشند و بتوانند سهم‌خواهی کنند و مسئولیت بگیرند.
۱۰. نویسنده گردهمایی ابواء را ساختگی می‌داند که عباسیان آن را جعل کرده‌اند و وارد تاریخ‌نگاری کرده‌اند اما این مطلب درست نیست و روایات بسیاری بر این مطلب صحه می‌گذارد، حتی فرزند امام صادق(ع)، امام کاظم(ع)، در همین سفر و در ابواء به دنیا آمده‌اند.
۱۱. نویسنده در صفحه ۱۰۹ کتاب، صالح بن علی، برادر محمد بن علی و عموی خلفای عباسی، را به اشتباه جزو فرزندان محمد بن علی و برادر خلفای عباسی ذکر کرده‌است.
۱۲. نویسنده فرقه کربیه را منسوب به حمزه بن عماره بربری می‌داند. این امر صحیح نیست زیرا فرقه کربیه منسوب به ابن کرب است که فرقه نیز به اسم وی نام‌گذاری شده‌است. حمزه بن عماره شاگرد ابن کرب بوده‌است و در رشد آموزه‌های فرقه کربیه تأثیرگذار بوده‌است و حکم استاد غالیان پس از خویش نظیر بیان بن سمعان و مغیره بن سعید و... را داشته‌است.
۱۳. از ویژگی‌های خوب این کتاب این است که عقاید بسیاری از کتاب‌های ملل و نحل را تحلیل می‌کند و درستی یا نادرستی آن را نشان می‌دهد.
۱۴. نویسنده دلیل پیوستن زیدیه به ابن معاویه را این می‌داند که ابن معاویه دعوی امامت نداشت و این که زیدیه امامت را منحصر در فرزندان حسنین(ع) می‌داند. سخن نخست نویسنده درست است اما سخن دوم نویسنده صحیح نمی‌باشد زیرا عقاید زیدیه بسیار بعدتر از این تئوریزه شده‌است و در زمان قیام ابن معاویه که تنها پنج سال پس از قیام زید و دو سال پس از قیام یحیی رخ داده بود این باورها وجود نداشت. قیام ابن معاویه در ادامه قیام‌های زید و یحیی، پدر و برادر همسر ابن معاویه، انجام شده بود اما ابن معاویه خود دعوی امامت نداشت.
۱۵. نویسنده در بخش فرقه عباسیه به درستی اشاره می‌کند که فرقه راوندیه به شدت تحریف شده‌است و گزارش‌ها درباره آن‌ها از فاکتور عباسیان گذشته‌است.
۱۶. نویسنده فرق کیسانی را منحصر در فرقی که ذکر نموده می‌داند اما فرق کیسانی دیگری هم در منابع ثبت شده‌است که در این کتاب از آن‌ها نامی برده نشده‌است و به بحث گذاشته نشده‌است.

۱۷. نویسندگان در بخش فرقه حارثیه تمام عقاید فرق منسوب به ابن معاویه را درباره فرقه حارثیه ذکر می‌کنند بدون این که از دیگر فرق منسوب به ابن معاویه یاد کنند. بهتر بود که نویسندگان به دیگر فرق منسوب به ابن معاویه نظیر جناحیه، حربیه و اسحاقیه نیز اشاره می‌کرد.
۱۸. نویسندگان در صفحه ۱۴۸ نام فرقه هریریه را ابوهریریه ذکر می‌کنند که صحیح نیست و باید هریریه ذکر می‌کرد.
۱۹. نویسندگان در بخش فرقه عباسیه مطالب مربوط به فرقه راوندیه را نیز در این بخش نقل نموده بدون اینکه به این امر اشاره داشته باشد و قیام راوندیه را نیز با عنوان قیام عباسیه معرفی می‌کنند. بهتر بود نویسندگان بخش مستقلی را به راوندیه اختصاص می‌داد و مطالب مربوط به آن را در آن بخش ذکر می‌نمود.
۲۰. نویسندگان در بخش فرقه حارثیه از فرقه حربیه و عبدالله بن عمر بن حرب کندی یاد نموده‌اند. باید توضیح داد که فرقه حارثیه و حربیه در حقیقت یک فرقه هستند و عبدالله بن حارث مدائنی و عبدالله بن عمرو بن حارث مدائنی نیز در حقیقت یک فرد هستند.
۲۱. نویسندگان در بخش فرقه حارثیه موسس این فرقه را به نقل از نوبختی که حارث بن عبدالله مدائنی ذکر نموده بدون هیچ بررسی به همان شکل ذکر می‌کنند. در حالی که شکل صحیح آن عبدالله بن حارث مدائنی است.
۲۲. نویسندگان در بخش فرقه بیانیه معتقد است که بیانیه محصول جعل وصیت‌نامه ابوهاشم است اما باید گفت که بیان بن سمعان در اوایل قرن دوم در کوفه و مدائن می‌زیسته‌است و وصیت‌نامه ابوهاشم در زمان خلافت عباسیان جعل شده‌است. این ادعای نویسندگان صحیح نیست و هیچ نسبت علت و معلولی بین وصیت‌نامه ابوهاشم و بیان بن سمعان وجود ندارد.
۲۳. نویسندگان در این کتاب با مطالعه کیسانیه و دعوت عباسیان مطالب خوبی را دریافته‌اند اما نتوانسته به خوبی بیان کنند.
۲۴. نویسندگان معتقد است بین حمزه بن عماره و محمد بن علی عباسی ارتباط وجود داشته‌است و وی را بازیگر نقشه عباسیان می‌داند اما بسیار بعید است که وی با عباسیان در ارتباط بوده باشد زیرا عباسیان در این زمان در مرحله دعوت بوده‌اند و اسرار دعوت را جز بر افرادی که به آنان اعتماد داشته‌اند، پنهان می‌کرده‌اند با توجه به این مسئله عباسیان نمی‌توانستند به فردی مثل حمزه بن عماره که علناً اعتقادات خویش را بازگو می‌کرده‌است اسرار دعوت خویش را ذکر کنند زیرا وی اسرار دعوت آن‌ها را برملا می‌ساخت. علاوه بر این حمزه بن عماره در ابتدای قرن دوم می‌زیسته و دعوت عباسیان در حدود سال‌های ۱۱۷ق و ۱۱۸ق تشکیل شده و وصیت‌نامه ابوهاشم در زمان خلافت عباسیان پدید آمده‌است.

۲۵. نویسنده معتقد است که دعوت عباسیان در سال ۹۷ ق آغاز شده است. این امر صحیح نیست. عباسیان در زمان خلافت‌شان تاریخ آغاز جنبش خویش را بسیار عقب‌تر از زمانی که شکل گرفته بود برگرداندند چنانچه از تاریخ دعوت‌شان بر می‌آید تاریخ آغاز دعوت‌شان به سال‌های ۱۱۷ق و ۱۱۸ق می‌رسد. حجم روایات تاریخی مبنی بر فعالیت داعیان عباسیان پیش از این سال‌ها با قبل از آن قابل مقایسه نیست و یک گسست تاریخی در روایات ایشان وجود دارد. به نظر می‌رسد عباسیان براساس روایت مجعول مجدّد رأس مائه خواستند که قامت مجدّد قرن اول قمری را در قامت جدّشان، محمد بن علی، بدوزند. به همین خاطر تاریخ آغازین دعوت خویش را به زمانی قبل‌تر از زمانی که در حقیقت آغاز شده بود برگرداندند. متأسفانه نویسنده در این کتاب روایت رسمی عباسیان درباره دعوت‌شان را پذیرفته و بر همین اساس به تحلیل محتوا پرداخته است.
۲۶. از امتیازهای این کتاب این است که غلط‌تایی و املائی ندارد.
۲۷. کتاب هیچ‌گونه نمایه ندارد. این امر دستیابی سریع محققان به مطلب مورد نظر خویش را با دشواری روبه‌رو می‌سازد.
۲۸. از رهیافت روش‌شناسانه مؤلف درباره موضوع پژوهش، مشتمل بر بیان مسئله و هدف مولف غفلت شده است.
۲۹. در این کتاب نویسنده به پیشینه پژوهش درباره کیسانیه نپرداخته است. بهتر بود نویسنده کتاب به پژوهش‌های صورت گرفته درباره کیسانیه در قالب کتاب، مقاله، مدخل دانشنامه، بخشی از کتاب و... را در بخشی مستقل تحت عنوان پیشینه پژوهش ذکر می‌کرد و به آسیب‌شناسی آن مطالب می‌پرداخت.
۳۰. جای خالی فصلی در ابتدای کتاب که نویسنده در آن به معرفی و نقد منابع مورد استفاده‌اش در تألیف کتاب پرداخته باشد، در کتاب هویداست.
۳۱. نویسنده به زندگی ابوهاشم اشاره نمی‌کند. نویسنده بلافاصله پس از ذکر کیسانیه پس از وفات ابن حنفیه به ذکر کیسانیه پس از وفات ابوهاشم می‌پردازد. بهتر بود در ابتدای همین بخش به زندگی ابوهاشم می‌پرداخت سپس به فرق منسوب به وی اشاره می‌کرد.
۳۲. نویسنده کتاب معتقد است که سید حمیری و و کثیرعزه، از شعرای مشهور کیسانی، کیسانی نبوده‌اند و اشعاری هم که به ایشان منسوب شده، ساخته و پرداخته عباسیان است. این مطالب صحیح نیست زیرا بی‌تردید این دو شاعر ابتدا بر مذهب کیسانی بوده‌اند و اشعاری در این زمینه سروده‌اند سپس از عقیده خویش بازگشته‌اند.
۳۳. نویسنده در کتاب ذکر می‌کند که کیسانیه مذهب رسمی عباسیان در عصر اول خلافت‌شان بوده است. این مطلب صحیح نیست. حقایق تاریخی این مطلب را تأیید نمی‌کند.

۳۴. از نکات خوب این کتاب این است که نویسنده در کتاب به تأثیر قدرت‌های رقیب کیسانیه در تحریف آن پی برده‌است و در جای جای کتاب آن را هویدا می‌سازد.
۳۵. نویسنده بدون هیچ تجزیه و تحلیلی و فقط بر اساس حدس خویش شخصیت کیسان را همانند شخصیت عبدالله بن سبا شخصیتی موهوم و خیالی می‌داند (صرف نظر از دیدگاهی که شخصیت عبدالله بن سبا را شخصیتی واقعی و تاریخی می‌داند). اگر این مسئله برای نویسنده به صورت فرضیه مطرح بوده‌است باید در کتاب صحت و سقم آن را به بحث می‌گذاشت نه این که بدون هیچ تحلیلی نویسنده نتیجه می‌گیرد که شخصیت کیسان خیالی است بلکه شخصیت کیسان شخصیتی تاریخی بوده و رئیس پلیس مختار بوده‌است.
۳۶. نویسنده تنها با توجه به سخن شیخ مفید که می‌گوید در قرن چهارم زمان حیات شیخ مفید فردی که بر مذهب کیسانی باشد وجود نداشته نتیجه می‌گیرد که کیسانیه اصلاً وجود نداشته‌است. این استدلال نویسنده اصلاً صحیح نیست. کیسانیه را باید با در نظر گرفتن برخی ملاحظات مطالعه نمود اما این که اصلاً وجود نداشته، مطلب صحیحی نیست.
۳۷. یکی از ضعف‌های این کتاب این است که نویسنده به جز چند مورد به تاریخ کیسانیه توجه نکرده‌است. تنها به ذکر مفروضات خویش درباره کیسانیه پرداخته و آن‌ها را بدون تحلیل و به بحث گذاشتن ارائه می‌کند.
۳۸. نویسنده در صفحه ۱۴ کتاب می‌نویسد مردم خراسان در زمان دعوت عباسیان در ابتدای قرن دوم ترک و دیلم و مغول بوده‌اند. این سخن صحیح نیست. تنها بخشی از ماوراءالنهر در این زمان ترک بوده‌اند، مغولان نیز در قرن ششم به ماوراءالنهر و خراسان آمدند. دیلم نیز از اقوام نواحی شمالی رشته‌کوه البرز بوده‌اند و در خراسان نمی‌زیسته‌اند.
۳۹. نویسنده، کیسانیه را به سه دوره و مقطع تقسیم می‌کند و آن را مذهب رسمی عباسیان در عصر اول عباسی می‌داند اما در ادامه می‌نویسد کیسانیه اصلاً وجود خارجی نداشته‌است. سخنان نویسنده به شدت متناقض است.
۴۰. نویسنده در بخش داوری حجرالاسود پنج روایت در این باره را ذکر می‌کند و در پایان بدون هیچ تحلیلی و با بیانی احساسی آن را رد می‌کند. خواننده هنگامی که روایت‌های مختلف نویسنده درباره این واقعه را می‌بیند با خویش می‌گوید که پس از پایان ذکر آن‌ها به این تفصیل شاهد تحلیل آن‌ها به تفصیل خواهد بود اما نویسنده در نیمی از صفحه و با بیانی احساسی آن را رد می‌کند. نویسنده اگر می‌خواست آن را رد کند باید با تحلیلی منطقی آن را بررسی می‌کرد سپس نتیجه می‌کرد که آن واقعه رخ داده یا رخ نداده‌است.

۴۱. نویسنده سعی می‌کند هرگونه ارتباط بین مختار و ابن حنفیه را رد کند و اصلاً در این کار موفق نمی‌شود. برای نمونه نویسنده انکار می‌کند که مختار در نامه به محمدبن حنفیه وی را مهدی خوانده‌است. این صحیح نیست زیرا مختار چه در نامه‌ها و چه در سخنرانی‌های خویش از محمدبن حنفیه با عنوان امام مهدی یاد می‌کرده‌است که معنای مورد نظر مختار پیشوای هدایتگر بوده‌است. اصلاً این تعبیر که محمدبن حنفیه امام غایب است در زمانی که وی زنده بوده‌است غلط است.

۴۲. نویسنده اصلاً کیفیت و چگونگی رابطه بین محمدبن حنفیه و مختار را درک نکرده‌است. مطالبی که نویسنده از رابطه بین مختار و ابن حنفیه ذکر می‌کند پرده از این امر بر می‌دارد که درک نویسنده از رابطه بین این دو سطحی‌ترین و ابتدایی‌ترین درکی است که یک فرد می‌توانسته از این رابطه داشته باشد. برای نمونه نویسنده ذکر می‌کند که اگر مختار کارگزار ابن حنفیه بوده پس باید ابن حنفیه به عزل و نصب افراد می‌پرداخت و عزل و نصب‌های مختار نیز به امضا و تأیید وی می‌رسید. این برداشت نویسنده ناشی از مطالعه سطحی و در نظر نگرفتن تمام جوانب قیام مختار بوده‌است.

۴۳. نویسنده از برخی مورخان، دانشمندان و کتاب‌ها مطلب نقل می‌کند اما منبع آن را ذکر نمی‌کند.

۴۴. کتاب بدون نتیجه‌گیری پایان می‌یابد. خواننده در نهایت نظر نهایی نویسنده درباره کیسانیه را در یکجا و به‌هم‌پیوسته در نمی‌یابد. خواننده مجبور می‌شود برای آگاهی کامل از نظرات نویسنده همه کتاب را بخواند. بهتر بود نویسنده بخشی تحت عنوان نتیجه‌گیری بر این کتاب می‌نوشت.

نتیجه

کیسانیه؛ حقیقت یا افسانه اثر سیدابراهیم سیدعلوی جز معدود کتاب‌ها درباره کیسانیه است. نویسنده در این اثر به بررسی کیسانیه پرداخته‌است و نکات ارزشمندی را مورد اشاره قرار داده‌است. نکته‌هایی که به‌عنوان ضعف‌های این اثر به آن‌ها اشاره شد به هیچ‌عنوان از ارزش این اثر نمی‌کاهد بلکه امید است برای بهبود این اثر در چاپ‌های آینده مورد توجه نویسنده کتاب قرار گیرد.